

حق دسترسی به اینترنت؛ مبانی و محتوا

باقر انصاری*

چکیده

دسترسی افراد به اینترنت یکی از موضوعات روز در سطح بین‌المللی و ملی است که از زوایای مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی مورد بحث قرار می‌گیرد. از منظر حقوقی، پرسش‌های مطرح در این باره آن است که آیا دسترسی به اینترنت حق افراد است. اگر حق افراد است، چه محتوایی دارد و چگونه قابل تحقق است؟ این مقاله، برای پاسخ به پرسش‌های مذکور، به مطالعه در منابع بین‌المللی و رویه‌های ملی و واکاوی دیدگاه‌های مطرح درباره مبنا و محتوای حق مذکور پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دیدگاه غالب این است که دسترسی به اینترنت حق افراد است، ولی در مورد محتوای آن مناقشه وجود دارد. با وجود این، می‌توان حق اتصال به اینترنت، اصل بی‌طرفی، حق بی‌نامی، حق استفاده از فناوری رمزگذاری و حق بر امن و شفاف بودن اینترنت را به عنوان عناصر اصلی این حق شناخت. همچنین این حق، به طور عمده، جنبه شکلی و ساختاری دارد تا ماهوی. یعنی به اصل دسترسی به اینترنت مربوط است، نه به محتوایی که در نتیجه دسترسی مبادله می‌شود. واژگان کلیدی: دسترسی به اینترنت، فضای مجازی، بی‌طرفی شبکه‌ای، رمزگذاری، بی‌نامی

مقدمه

دسترسی افراد به اینترنت به دلیل پیوند وثیقی که با تحقق حقوق و آزادی‌های افراد و تأمین منافع و نیازهای آنان پیدا کرده است به یکی از موضوعات مهم در حوزه حقوق ارتباطات تبدیل شده است. پرسش‌های گوناگونی در این باره مطرح است از جمله اینکه آیا هر فردی حق دارد به اینترنت دسترسی داشته باشد؟ دسترسی به اینترنت به چه معناست و چگونه محقق می‌شود؟ دولت‌ها چه تکالیفی در زمینه دسترسی افراد به اینترنت دارند؟

در پاسخ به این پرسش‌ها، نظر غالب آن است که دسترسی به اینترنت حق افراد است؛ حقی نسبتاً نوپدید که البته ابعاد مفهومی و مصداقی آن مورد مناقشه است. گاهی از این حق به‌عنوان لازمه آزادی بیان و سایر حقوق موجود یاد می‌شود و گاهی به‌عنوان حق نوپدید و مستقل. گاهی بر ابعاد فنی و شکلی آن تمرکز می‌شود و گاهی بر ابعاد محتوایی و ماهوی‌اش.

برخی کشورها، یا با تصویب قانون یا به ابتکار رویه قضایی، ابعاد مفهومی و مصداقی این حق را تا حد زیادی روشن کرده‌اند و در سطح بین‌المللی نیز برخی مراجع بین‌المللی در مقام تفسیر معاهدات بین‌المللی یا صدور آراء قضایی یا انتشار گزارش‌های ترویجی، مفهوم، محتوا و شأن هنجاری این حق را تا حدی روشن کرده‌اند.

در نظام حقوقی ما وضعیت این حق چندان روشن نیست. چه از نظر سیاست تقنینی و چه از نظر سیاست قضایی، رویه روشن و مشخصی مشاهده نمی‌شود. رویکرد غالب آن است که قواعد ناظر بر وسایل ارتباطی سنتی نظیر مطبوعات و رادیو و تلویزیون بر دسترسی به اینترنت نیز تسری یابد. در حالی که قیاس اینترنت با سایر وسایل ارتباطی به دلایل متعدد درست نیست و سبب می‌شود در برخی از حوزه‌ها قاعده‌ای برای اعمال آن یافت نشود و در برخی حوزه‌ها نیز، به دلیل ماهیت چندرسانه‌ای اینترنت، چندین قاعده قابل‌اعمال و معارض یافت شود. گاهی نیز قواعد سنتی قابل‌اعمال با طبع بین‌المللی اینترنت و ماهیت غیرمتمركز آن سازگاری ندارند، زیرا نرم‌افزار یا مطلب واحدی که در کشورهای مختلف قابل دسترس است ممکن است در یک یا چند کشور قانونی و اخلاقی قلمداد شود ولی در کشورهای دیگر غیرقانونی یا غیراخلاقی.

با توجه به نکات بالا، این مقاله درصدد است تا به پرسش‌های مطرح در ابتدای این مقدمه پاسخ دهد. در انجام این مهم، دستاوردهای مطالعات تطبیقی و موازین بین‌المللی مرتبط به‌عنوان مبنا و مرجع مورد توجه قرار گرفته، توصیف، دسته‌بندی و تحلیل خواهند شد. بدین منظور، مطالب مقاله در دو بخش تنظیم شده است: نخست، مبانی و ماهیت حق دسترسی به اینترنت و سپس، تبیین و تحلیل محتوای آن.

۱. مبانی و ماهیت حق دسترسی به اینترنت

۱-۱. مبانی حق دسترسی به اینترنت

درباره شناسایی یا عدم شناسایی حق‌های نوپدید همانند حق بر انرژی، برق، آب، غذا، مسکن، صلح، توسعه، تغییر جنسیت، مرگ با کرامت، همواره دو جریان فکری (اعم از اندیشمندان، کنشگران اجتماعی و نهادها) در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند: جریانی با رویکرد محافظه‌کارانه که در برابر شناسایی هر حق جدید مخالفت می‌کند، مگر آنکه این شناسایی از فیلتر معیارهای سخت‌گیرانه آن‌ها عبور کند و جریان دیگری با رویکرد تحول‌گرایانه و پویا که در شناسایی حق‌های جدید خود را با محذوریت‌های جدی مواجه نمی‌بیند.

بر همین اساس، در پاسخ به این پرسش که آیا دسترسی به اینترنت را می‌توان حق دانست یا نه، دو دیدگاه وجود دارد (Land, 2013: 397-401): دیدگاهی که معتقد است اینترنت یک فناوری است که ماهیت بسیار پویا و سیال دارد و به تبع نمی‌توان دولت‌ها را به تضمین و تأمین فناوری‌ای ملزم کرد که ممکن است در گذر زمان نفس آن یا ماهیت آن دگرگون شود. اگر چنین حقی را در مورد اینترنت قائل شویم، چرا در مورد دسترسی به سایر فناوری‌ها قائل نشویم؟ برخی دیگر، اینترنت را مصداقی از انواع وسایل ارتباطی و بیان می‌دانند که در حال حاضر دسترسی به آن‌ها حق شناخته شده است. بنابراین، حتی اگر فناوری یا وسیله مذکور در آینده متحول بشود تأثیری در حق شناختن دسترسی به آن نخواهد داشت. در واقع، این حق بر یک فناوری ارتباطی است، با تمام پویایی و تحولاتی که ممکن است در آینده داشته باشد. از این رو، در شناسایی حق بر فناوری‌ها از جمله «حق بر برق» یا «حق بر انرژی»، که صورت تحول‌یافته آن است، تردیدی ندارند (Löfquist, 2019: 10-11).

در مقام تحلیل این دو دیدگاه، باید گفت که از منظر فلسفه حق، هر ادعایی را نمی‌توان «حق» شناخت. با توجه به اینکه حق‌ها موجد تکلیف بر عهده دیگران هستند و آزادی آن‌ها را محدود می‌کنند برای شناسایی یک ادعا به عنوان حق توجیهات قوی لازم است (Wenar, 2005: 237-251). برخی اندیشمندان که طرفداران نظریه حق-اراده نامیده می‌شوند بر این باور هستند که یک ادعا زمانی می‌تواند حق شناخته شود که از تعیین سرنوشت، آزادی و استقلال فردی در تصمیم‌گیری‌ها و از شکوفاساختن شخصیت و هویت فردی دفاع کند (Harel, 2002: 6). برای مثال، هارت می‌گوید: حق یعنی یک انتخاب حمایت‌شده. داشتن حق یعنی داشتن نوعی کنترل بر تکلیف ملازم با آن. حق داشتن یعنی بودن در موقعیت برتر برای انتخاب این یا آن (Bayles, 1992: 146). ولمن با تمایز

بین حق‌های اخلاقی و قانونی می‌گوید: حق‌ها اعم از اخلاقی و قانونی متشکل از موقعیت‌های چهارگانه هوفلدی (آزادی، ادعا، قدرت و مصونیت) هستند که به دارنده خود نسبت به موضوع خاص، در مقام معارضه با دیگران، سلطه^۱ و امکان کنترل اعطا می‌کنند (Wellman, 1995: 24). در مقابل، طرفداران نظریه‌های حق-منفعت^۲ معتقدند ادعاهایی را می‌توان حق شناخت که از منافع بنیادی افراد حمایت کنند. نقطه ثقل حق‌ها حمایت از منافع دارنده حق است و او را منتفع از تکالیف حمایت‌شده‌ای قرار می‌دهند که بر عهده دیگران قرار می‌گیرد (Summer, 1989: 47). برای مثال، رز می‌گوید: تنها زمانی می‌توان گفت الف حق دارد که یک جنبه از رفاه (نفع) او، دلیل کافی برای تحمیل یک تکلیف بر عهده شخص دیگر باشد (Raz, 1986: 166).

دسته سوم اندیشمندان معتقدند که به‌طور مطلق نمی‌توان گفت که همه حق‌ها با حمایت از اراده یا منافع افراد پیوند دارند، بلکه حسب مورد، یک حق ممکن است برای حمایت از اراده افراد شناسایی شود و حق دیگری برای حمایت از منافع افراد^۳. محتوای اصلی دسته‌ای از حق‌ها بیان آزادی رفتار است و محتوای دسته‌ای دیگر مصون‌بودن از برخی آسیب‌ها یا دسترسی به برخی خدمات. متناظر با این دسته‌بندی از حق‌ها، تکالیفی در خصوص نحوه رفتار بر عهده دیگران قرار می‌گیرد (Martin, 1993: 45). حقوق مدنی و سیاسی عمدتاً از آزادی افراد و حقوق اقتصادی و اجتماعی عموماً از توانایی یا فرصت‌های افراد حمایت می‌کنند. بنابراین، حق‌ها حالت ایستا ندارند؛ آن‌ها شرایط و فرصت‌هایی هستند که هر زمان ضروری باشد افراد باید داشته باشند.

غالب اندیشمندان اسلامی که درباره مبانی حق صاحب‌نظرند، بر این باور هستند که منشأ اصلی و حقیقی حق و تکلیف تنها خداوند است و سایر حقوق جنبه اعتباری دارند. حق از امور اعتباری است و این اعتبار را می‌توان برای فرد داشت یا برای جمع^۴. حقوق دانانی نیز که در این زمینه مطالعه داشته‌اند، عمدتاً بر همان دسته‌بندی دوگانه‌ای که در حقوق غربی مورد توجه است صحنه گذاشته و هر دو مبنا یا یکی از آن‌ها را قابل پذیرش دانسته‌اند (برای مثال، نک: قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲؛ راسخ، ۱۳۸۴). از این‌رو، شناسایی چنین حقی چه از منظر حقوق اسلامی و چه از منظر حقوق دانان، بر اساس ارزش‌ها و کارکردهای مرتبط با آن، توجیه‌پذیر خواهد بود.

1. dominion

2. the interest theory

3. the hybrid theory

۴. برای آشنایی با نظرات اندیشمندان اسلامی درباره مفهوم و شرایط حق و تمییز آن از سایر مفاهیم مشابه، نک:

(صرامی، ۱۳۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵؛ نبویان، ۱۳۸۸).

بنابر آنچه در مورد نظریه‌های توجیه‌کننده حق‌ها گفته شد، چنانچه دسترسی به اینترنت برای تحقق آزادی و اراده افراد یا برای تأمین منافع آن‌ها ضرورت اساسی داشته باشد، می‌توان از حق دسترسی به اینترنت سخن گفت. اکنون، برخی اندیشمندان، دولت‌ها و مراجع بین‌المللی چنین ضرورتی را تصدیق کرده‌اند و از حق دسترسی به اینترنت سخن می‌گویند. توجیحات اینان به شرح زیر است.

۱-۱-۱. اینترنت به مثابه ابزار شکوفایی اراده افراد

دسترسی به اینترنت در گسترش قلمرو انتخاب‌های افراد و تعیین هویت برای خود نقش بسیار کلیدی دارد و به تحقق طیف وسیعی از آزادی‌های اشخاص کمک می‌کند. آزادی بیان و مطبوعات، حق دسترسی به اطلاعات، آزادی انجمن‌ها و اجتماعات، آزادی تجارت، حق مشارکت در امور عمومی از جمله در تعیین سرنوشت جامعه خود از آزادی‌هایی هستند که با کمک اینترنت از قابلیت اعمال و تحقق بیشتر برخوردار شده و بسط یافته‌اند (De Hert and Kloza, 2012: 6-8).

اکنون، اینترنت توانایی و انتخاب‌های افراد را در جست‌وجو، دریافت، انتشار و اشاعه اطلاعات و دیدگاه‌ها افزایش داده است. سرعت انتشار، گسترده‌گی قلمرو انتشار، تکرار بیان‌ها و مطالب منتشر شده و هزینه بسیار کم به افراد امکان داده است تا با کنارزدن موانع سنتی، اطلاعات خود را با سهولت بیشتر انتشار داده و امکان دسترسی به اطلاعات و دانشی را که قبلاً در دسترس نبوده است داشته باشند. اینترنت محدودیت‌ها و کنترل‌های پیشینی بر بیان‌ها (اعم از مادی نظیر داشتن سرمایه مشخص و قانونی نظیر اخذ مجوز) را بی‌اثر یا حداقل کم‌اثر کرده است و بر همین اساس، این امکان را برای افراد و گروه‌های کم‌برخوردار فراهم کرده است که به‌نحو بی‌سابقه‌ای نظرها، انتقادات و پیشنهاد‌های خود را در مورد امور مختلف جامعه بیان کنند و صدایشان شنیده شود. در خصوص دسترسی به اطلاعات نیز اگر این آزادی را دارای دو بعد حق بر آگاه‌شدن^۱ و دانستن و حق بر آگاه‌کردن^۲ بدانیم اینترنت به تحقق هر دو بعد کمک شایانی می‌کند (W. Penney, 2011: 15-20). افراد با دسترسی به اینترنت، دریافت‌کننده و ناظر منفعل اطلاعات نیستند، بلکه در بسیاری از موارد به‌مثابه پدیدآورنده، روزنامه‌نگار یا ناشر فعال عمل می‌کنند. این امر به‌نوبه خود به نوآوری و شکوفایی فردی، کشف حقیقت و پیشرفت جامعه کمک می‌کند.

افزون بر این، اینترنت به تحقق آزادی انجمن و اجتماع به‌نحو مؤثری کمک می‌کند. به افراد کمک می‌کند تا با اندیشه‌ها و نظرات و باورهای اشخاص دیگر به‌ویژه هم‌سالان یا هم‌صنفان یا هم‌رشته‌های خود آشنا شوند و نظرات خود را که ممکن بود در عالم واقع جرأت یا فرصت بیان آن‌ها را نداشته

1. Right to know
2. Right to inform

باشند با آن‌ها در میان بگذارند. موجب می‌شود افراد دارای اشتراکات فکری بتوانند در مورد موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر تعامل داشته باشند، گروه‌های هم‌فکر تشکیل دهند و در صورت نیاز، با ایجاد پویش یا اعتراض جمعی، نظر خود را دربارهٔ امور مختلف بیان کنند. اکنون، شبکه‌های اجتماعی یکی از ابزارهای مهم برای اعمال آزادی تجمع و دنبال کردن منافع مشترک هستند. گزارشگر ویژه سازمان ملل تصریح کرده است که آزادی اجتماعات هم در دنیای مجازی و هم در دنیای واقعی قابلیت اعمال دارد. در نتیجه قوانینی که به‌نحو توجیه‌ناپذیری آزادی بیان و اجتماعات افراد را در اینترنت محدود می‌کنند پذیرفته نیستند، چراکه می‌توانند تأثیر نامطلوب بر توانایی سازماندهی و مطالبهٔ منافع مشترک داشته باشند (Kiai: 2014: 63).

همچنین، اینترنت یکی از ابزارهای مهم مشارکت مدنی و عمومی است و اکنون دموکراتیک‌ترین وسیلهٔ ارتباطی جهان و مؤثرترین آن‌ها برای شکل‌گیری جامعهٔ مدنی اطلاعاتی به شمار می‌رود (Lucchi, 2013: 2-3). این فناوری، به جهت قابلیت حفاظت از بی‌نامی افراد، به آن‌ها کمک می‌کند تا در زمینهٔ موضوعاتی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد بدون ترس و واهمه مشارکت و اظهارنظر کنند. دسترسی آسان به اطلاعات عمومی از طریق اینترنت نیز شهروندان را قادر می‌سازد تا به‌طور فعال در فرایندهای تصمیم‌گیری عمومی مشارکت داشته باشند و برای بهتر شدن وضع خود اقدام کنند.

با توجه به قابلیت اینترنت در کمک به شکوفایی اراده‌های افراد و تحقق آزادی‌ها و انتخاب‌های آن‌ها، برخی نویسندگان دسترسی به اینترنت را همانند آب برای انسان حیاتی دانسته که باید همانند دسترسی به آب و برق به‌عنوان حقی اصیل و مستقل شناسایی شود (De Hert and Kloza, 2012: 12) و برخی دیگر ضمن اذعان به اهمیت و فواید دسترسی به اینترنت، آن را صرفاً کمک‌کننده به دارندگان حقوق و تسهیل‌کنندهٔ تحقق حقوق موجود دانسته‌اند، نه حق مستقل.

۲-۱-۱. اینترنت به‌مثابهٔ ابزار تأمین منافع

اینترنت تحقق طیف گسترده‌ای از منافع و نیازهای افراد و دسترسی آن‌ها به خدمات مورد نیازشان را نیز میسر ساخته است. اکنون، بخش شایان توجهی از خدمات عمومی از قبیل خدمات قضایی، انتظامی، بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی، رفاهی، بازرگانی و آموزشی از طریق اینترنت دسترسی پذیر است و دسترسی افراد مختلف جامعه به آموزش، کسب و کار، نوآوری‌ها، خدمات سلامتی، تفریح و سرگرمی، از طریق اینترنت، توسعه یافته است.

برای مثال، اینترنت یک ابزار مهم برای آموزش شده است؛ از یک سو، به‌عنوان یک ابزار امکان آموزش را برای افرادی فراهم آورده است که بدون آن از آموزش محروم بودند. کودکان روستایی و مناطق

محروم، کودکان توان خواه جسمی حرکتی و کودکان کار از این جمله اند. از سوی دیگر، اینترنت، به عنوان محتوا، دسترسی به منابع گسترده دانش را برای همگان به ویژه پژوهشگران فراهم کرده است. این ابزار اشکال سنتی آموزش را تغییر داده و از طریق «دسترسی های باز و رایگان»، منابع پژوهشی و آموزشی مفیدی را برای افراد ساکن در کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است (Kiai, 2014: 61-62).

اینترنت بستر مهمی برای کسب و کار و نوآوری و مبادلات تجاری تبدیل شده است، به گونه ای که سازمان بین المللی کار در صدد تدوین ضوابط و معیارهایی خاص برای حمایت از کارگران دیجیتال برآمده است (ILO, 2018: 105-109). بر اساس اصل آزادی تجارت، همگان حق دارند در این فضا به کسب و کار و تجارت اقدام کنند. اکنون، کارگران و کارفرمایان دیجیتال نقش مهمی در بازارهای کنونی جهان بازی می کنند و بر این اساس، دولت ها مکلف هستند تا زیرساخت و شرایط لازم برای توسعه تجارت الکترونیک را فراهم آورند و از جمله نظام بانکی، مالیاتی، گمرکی، بیمه ای، آموزشی، آماری، اداری و قضایی مناسب را برای مبادلات تجاری در فضای مجازی فراهم کنند.

دیوان اروپایی حقوق بشر در دو پرونده به موضوع حق اتصال زندانیان به اینترنت رسیدگی کرده و از وجود چنین حقی دفاع کرده است. در دعوی کالدا علیه استونی، شاکی مدعی بود که مقامات زندان دسترسی وی به سه سایت حاوی مطالب حقوقی را که توسط دولت و شورای اروپا مدیریت می شدند و آن مطالب برای استفاده در رسیدگی های قضایی وی قابل استناد بودند بدون عذر موجه منع کرده و آزادی بیان او را نقض کرده اند. دولت استونی اعلام کرد که به جهت دلایل امنیتی و نیز هزینه ها وی را منع کرده است. دیوان با دو استدلال دولت استونی را ناقض آزادی بیان شناخت: اولاً دسترسی زندانیان به اینترنت تحت نظارت و کنترل مقامات زندان فراهم شده است، پس هزینه آن قبلاً پرداخت شده است و ثانیاً، متقاضی دنبال سایت هایی بوده است که یا توسط دولت استونی اداره می شدند یا توسط شورای اروپا و چنین سایت هایی نمی توانند خطر امنیتی داشته باشند. بنابراین، اقدامات دولت استونی فاقد شرط ضروری بودن در یک جامعه دموکراتیک بوده است.^۱ در دعوی جانکوفسکیس علیه لیتوانی نیز یک زندانی (شاکی) از دسترسی به وبسایتی که توسط وزارت آموزش و علوم اداره می شد محروم شده بود. مسئولان زندان به متقاضی اعلام کردند که قوانین حاکم و جاری به زندانیان اجازه دسترسی به اینترنت را نمی دهد. دیوان در بررسی این پرونده اعلام کرد که منع دسترسی زندانیان به موجب قانون بوده و برای اهداف مشروع. اما با توجه به اینکه شاکی در صدد دسترسی به اطلاعات راجع به برنامه های آموزشی دانشگاهها بوده و این اطلاعات چه بسا در آینده در

1. Kalda v. Estonia 17429/10 Judgment 19 January 2016, para.49-54, <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-160270>.

فرایند اصلاح و بازگشت وی به جامعه مؤثر باشد و با توجه به اینکه بعضی اطلاعات صرفاً از طریق اینترنت عرضه می‌شوند دولت لیتوانی باید ضرورت دسترسی برای چنین مواردی را در نظر می‌گرفت و زندانیان را به‌طور مطلق از حق دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت محروم نمی‌کرد. از این رو، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض شده است.^۱

با توجه به نکات بالا، در روزگار کنونی برای هر فردی که بخواهد زندگی با کیفیت و توأم با کرامت داشته باشد دسترسی به اینترنت ضرورت دارد. در برابر، فراهم‌نبودن امکان دسترسی به اینترنت منجر به بروز تبعیض‌های مختلف و «شکاف دیجیتالی» می‌شود. سطح نابرابر دسترسی کاربران در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته به اینترنت و حتی سطح نابرابر دسترسی افراد مناطق روستایی، گروه‌های محروم مثل افراد توان‌خواه و افراد متعلق به گروه‌های اقلیت به اینترنت به دلیل نبود فناوری‌های دسترسی، هزینه‌های بالای دسترسی، سرعت پایین اینترنت و...، به ظهور انواع نابرابری‌ها در درون کشورها و بین کشورها می‌شود.

دسترسی تبعیض‌آمیز به اینترنت نیز می‌تواند زندگی توأم با کرامت را در معرض خطر قرار دهد. در برخی از مطالعات، از شکل‌گیری رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه سالمندان به دلیل نداشتن توانایی‌های لازم برای دسترسی به اینترنت و استفاده از خدماتی که در بستر اینترنت ارائه می‌شود ابراز نگرانی شده است (Australian Human Rights Commission, 2018: 19).

در نظام حقوقی ایران، حمایت از دسترسی به اینترنت عمدتاً از منظر ارتباط این فناوری به ارائه خدمات مفید به مردم مورد توجه قرار گرفته است. در نخستین مصوبه‌ای که در خصوص اینترنت با عنوان «مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای» از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است (۱۳۸۰)، از «حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و دانش» و «ایجاد حداکثر سهولت در ارائه خدمات اطلاع‌رسانی و اینترنت به عموم مردم» به‌عنوان اهداف این مصوبه نام برده شده است. همین عبارت در سایر مصوبات مرتبط با اینترنت از جمله در آیین‌نامه ساماندهی فعالیت پایگاه‌های اطلاع‌رسانی (سایت‌های) اینترنتی ایرانی مصوب هیئت وزیران (۱۳۸۵) تکرار شده است و مصوبات مرتبط با دولت الکترونیک^۲ و سیاست‌های کلی اصلاح نظام اداری (بند ۵) ابلاغی ۱۳۸۹^۳ تکرار شده است.

1. Jankovskis v. Lithuania, judgment of 17 January 2017, <http://hudoc.echr.coe.int/eng?i=002-11349>.

2. <https://www.aro.gov.ir/Portal/View/Page.aspx?PageId=b3e5568c-0407-49c6-8933-c7001bd5501c>

۳. توسعه نظام اداری الکترونیک و فراهم‌آوردن الزامات آن به‌منظور ارائه مطلوب خدمات عمومی.

۲-۱. ماهیت حق دسترسی به اینترنت

پس از مطالعه مبانی حق دسترسی به اینترنت، این پرسش مطرح می‌شود که حق مذکور چه ماهیتی دارد؟ چه اشخاصی از آن برخوردار هستند و چه اشخاصی در برابر آن متعهد؟ به همین ترتیب، چه سازکارهای نظارتی و حمایتی در مورد این حق وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش‌ها می‌توان گفت که حق دسترسی به اینترنت در سطح ملی در زمره حقوق اساسی یا بنیادی و گاهی حقوق شهروندی شناخته شده است و در سطح بین‌المللی نیز تاکنون نزدیک به ۵۰ سند مختلف در سطوح جهانی و منطقه‌ای درباره نحوه تنظیم مسائل حقوقی و اخلاقی اینترنت تصویب شده است که در وهله نخست بر نفس دسترسی به اینترنت تأکید کرده‌اند (Weber, 2015: 24-25) و بر ماهیت حقوق بشری آن صحنه گذاشته‌اند.

۱-۲-۱. دسترسی به اینترنت به عنوان حق اساسی

برخی دولت‌ها دسترسی به اینترنت را به عنوان یکی از حقوق مبانی یا اساسی شناخته و مشمول حمایت قانون اساسی اعلام کرده و برخی دیگر به عنوان یک حق قانونی و شهروندی از آن حمایت کرده‌اند. آفریقای جنوبی، اسپانیا، استونی، فرانسه، فنلاند، کاستاریکا، نیوزلند و یونان از این زمره‌اند (DiploFoundation, 2011: 1-3). برخی از این دولت‌ها حق دسترسی به اینترنت را جزئی از حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات شناخته‌اند و برخی دیگر قوانین خاصی را در مورد دسترسی افراد به اینترنت وضع کرده‌اند.

استونی در زمره نخستین کشورهایی است که با وضع قوانین خاص از جمله «قانون ارتباطات از راه دور» مصوب ۲۰۰۰، «قانون اطلاعات عمومی» مصوب ۲۰۰۰ و «قانون ارتباطات الکترونیک» مصوب ۲۰۰۴ اذعان کرده است که دولت موظف است دسترسی به اطلاعات و خدمات الکترونیک را برای همگان فراهم کند و همگان، صرف‌نظر از موقعیت مکانی و جغرافیایی خود، حق دسترسی به خدمات اینترنت با بهای یکسان را دارند. مفسران این قوانین تردیدی در شناسایی دسترسی به اینترنت به عنوان یک حق بشری در این کشور ندارند.

فنلاند با یک گام به جلو، در سال ۲۰۰۹، با وضع قانون بازار ارتباطات^۱ و پیش‌بینی تعهدات اپراتورهای ارائه‌دهنده خدمات دسترسی جهانی و حقوق مصرف‌کنندگان به طور ضمنی حق دسترسی شهروندان به اینترنت را شناسایی کرد و مقرر نمود که سرعت ارتباط با اینترنت باید در سطح حداقل یک مگابیت در ثانیه (سطح پهن باند) فراهم باشد.

1. Communications Market Act, <http://www.finlex.fi/en>.

در فرانسه حق دسترسی به اینترنت در زمره حقوق اساسی شناخته شده است. در سال ۲۰۰۹ شورای قانون اساسی فرانسه در مقام رسیدگی به مغایرت قانون مصوب کنگره این کشور با آزادی بیان و ارتباطات، که به یک مرجع اداری اجازه می‌داد در صورت احراز نقض حقوق پدیدآورندگان در اینترنت، با ارسال اخطارهایی به شخص ناقض، دسترسی او به اینترنت را قطع کند، اعلام کرد که «دسترسی به خدمات ارتباطات برخط یک حق اساسی است که بدون حکم قضایی نمی‌توان به آن تعرض کرد» و «تصمیم به مسدودکردن دسترسی یک فرد به اینترنت باید پس از برقراری توازن دقیق میان منافع از سوی یک دادگاه صورت گیرد، نه از سوی یک مؤسسه. ازاین‌رو، واگذاری چنین صلاحیتی به یک اداره خلاف قانون اساسی است» (Council Constitutionnel, 2009 : 12).

دادگاه قانون اساسی کاستاریکا نیز در سپتامبر ۲۰۱۰ حکم داد تأخیر دولت در بازکردن بازار رقابتی برای ارتباطات از راه دور نقض حقوق اساسی متعددی همچون حق انتخاب مصرف‌کنندگان، حق دسترسی به فناوری‌های جدید اطلاعات و حق برابری و تعهد دولت به کاهش شکاف دیجیتال است (DiploFoundation, 2011: 3).

در نظام حقوقی ایران، تنها سندی که به حق دسترسی به فضای مجازی تصریح کرده است منشور حقوق شهروندی است که یکی از عناوین منشور را به این حق اختصاص داده و تصریح کرده است که «حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است» (ماده ۳۳). در سایر مصوبات، عمدتاً از تضمین منافع و مزایای دسترسی به اینترنت برای شهروندان سخن به میان رفته است و از زبان حق‌محور استفاده نشده است. همچنین، از محدودیت‌های قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) برای استفاده‌کنندگان از ارتباطات رایانه‌ای و از تسری تضمین‌های قضایی مربوط به تعرض به حقوق اساسی به قلمرو برخی ارتباطات رایانه‌ای می‌توان استنباط کرد که قانون مذکور دسترسی به اینترنت را از حقوق شهروندان دانسته و با آن همانند سایر حقوق و آزادی‌های عمومی رفتار کرده است.

موج حمایت از دسترسی به اینترنت از سوی برخی دولت‌ها و اعمال تدابیر محدودکننده دسترسی به اینترنت از سوی دولت‌های دیگر دسترسی به اینترنت را به یک موضوع بین‌المللی مهم تبدیل کرد و ورود مراجع حقوق بشری و گزارشگران حقوق بشر به این موضوع را موجب شد.

۲-۲-۱. دسترسی به اینترنت به عنوان حق بشری

حقیقی در زمره حقوق بشر قرار می‌گیرند که با حمایت از کرامت انسانی در برابر تهدیدهای جدی دولتی ارتباط داشته و از صرف انسان بودن ناشی شده باشند (Donnelly, 1989: 17). در واقع، حقوق بشر در بین انواع هنجارهای حقوقی، هنجارهای اولویت‌دار^۱ و اهم^۲ محسوب می‌شوند که هر حقی قابلیت ورود به این ساحت را ندارد. این حقوق، ارتباط وثیقی با وجود انسان بما هو انسان دارند و از ارزش‌های انسانی بنیادی حمایت می‌کنند (VanderWal, 1990: 88). با این وصف، پرسش این است که آیا دسترسی به اینترنت، با فرض اینکه حق افراد شناخته شود، در زمره حقوق بشر است؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت در سطح بین‌المللی (اعم از منابع الزام‌آور و غیرالزام‌آور حقوق بین‌الملل)، دسترسی به اینترنت و استفاده از آن برای پیگیری اهداف مختلف فردی و اجتماعی دارای اوصاف مذکور و از لوازم زندگی توأم با کرامت بشر امروز قلمداد شده است. در این میان، ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی (حق مشارکت در زندگی فرهنگی و برخورداری از منافع پیشرفت‌های علم) به‌عنوان مهم‌ترین معاهداتی که متضمن حق دسترسی به اینترنت هستند، رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر، تفسیرهای عام کمیته‌های حقوق بشر، قطعنامه‌های شورای حقوق بشر و گزارش‌های گزارشگران حقوق بشر، برای توجیه اینکه دسترسی به اینترنت در زمره حقوق بشر است مورد استناد و تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

کمیته‌های ناظر بر معاهدات حقوق بشر به‌ویژه کمیته‌های حقوق بشر، حقوق کودک و رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (Szozkiewicz, 2018: 57-58) دیوان اروپایی حقوق بشر و گزارشگران ویژه حقوق بشر، حق دسترسی به اینترنت را به دو اعتبار مستحق برخورداری از حمایت‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر دانسته‌اند. به یک اعتبار، آن را عنصری از عناصر آزادی بیان دانسته‌اند و به اعتبار دیگر، آن را ابزار و بستری برای اعمال و اجرای سایر حقوق بشر شناخته و اذعان کرده‌اند که دسترسی به اینترنت در بطن حقوق دیگری نظیر آزادی مذهب، رهایی از تبعیض، حق آموزش، حق بر سلامتی، حق کار، حق بر تفریح، حق مشارکت در زندگی اجتماعی و حق توسعه قرار دارد و جزئی از آن‌ها است. به همین دلیل، حق دسترسی به اینترنت، کم‌کم به‌عنوان یک حق چتری، حیثیت مستقلی پیدا کرده و به‌عنوان حق مستقل^۳، شناسایی می‌شود (Botero Marino, 2013: 17).

1. high-priority norms
2. matters of paramount importance
3. primary or specific human right

از نظر گزارشگر ویژه آزادی بیان (شورای حقوق بشر)، اینترنت، وسیله و مجرای است که حق آزادی بیان از طریق آن اعمال می‌شود و به همین دلیل، حق دسترسی به اینترنت، به‌عنوان یکی از حقوق فرعی و مشتق^۱، مشمول حمایت‌های مقرر برای آزادی بیان است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: «هر کسی حق آزادی نظر و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که در داشتن نظرات و در جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها، با هر وسیله و صرف‌نظر از مرزها، آزاد باشد». ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از «هر وسیله» نیز تصریح می‌کند که: «... ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها از هر قبیل بدون توجه به مرزها خواه شفاهاً یا به‌صورت مکتوب یا به‌صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود می‌باشد». گزارشگر ویژه متذکر می‌شود که اینترنت، شبیه هیچ‌یک از ابزارهای ارتباطی دیگر نیست. این ابزار، تأثیر چشمگیری بر روزنامه‌نگاری، به اشتراک‌گذاری و دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌ها داشته است (La Rue, 2011: 20-23).

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز با مرتبط شناختن دسترسی به اینترنت با حق دسترسی به اطلاعات اعلام کرده است که: «حق دسترسی به اینترنت از حق دسترسی به اطلاعات و ارتباطات که در بسیاری از قوانین اساسی حمایت شده است تفکیک ناپذیر است و حق هر فرد به مشارکت در جامعه اطلاعاتی و الزام دولت‌ها به تضمین دسترسی به اینترنت برای شهروندان را دربر می‌گیرد. در نتیجه، از مجموع تضمین‌هایی که در مورد آزادی بیان وجود دارد می‌توان برداشت کرد که دسترسی بدون مانع به اینترنت نیز باید به‌عنوان حق شناخته شود.»^۲ کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز حق دسترسی به اینترنت را از عناصر آزادی بیان و آزادی اطلاعات دانسته و مشمول حمایت‌های ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر شناخته است (Lanza, 2017: 80-81).

شناسایی حق دسترسی به اینترنت در زمره حقوق بشر، بسیار مهم است، زیرا آن را از حمایت‌های نظام بین‌المللی حقوق بشر برخوردار می‌کند. مجموعی از تعهدات منفی و مثبت بر عهده دولت‌ها قرار می‌دهد. از یک سو، آن‌ها را از نفی و تحدید خودسرانه این حق منع می‌کند و از سوی دیگر، به تأمین زیرساخت‌ها و لوازم دسترسی افراد به اینترنت ملزم می‌سازد. این امر، دولت‌ها را ملزم می‌سازد تا در گزارش‌های ادواری خود به کمیته حقوق بشر یا سایر کمیته‌های ناظر بر معاهدات حقوق بشر، وضعیت این حق را نیز گزارش کنند و بر رعایت این حق در هر کشور دیگر نظارت کنند. به افراد

1. Derived or auxiliary human rights

2. Yildirim v. Turkey, Application no. 3111/10, 18 December 2012, Para. 31.

اجازه می‌دهد در صورت نقض این حق، بتوانند به سازکارهای نظارتی نظام بین‌المللی حقوق بشر از جمله شکایت علیه دولت‌های ناقض این حق متوسل شوند. همچنین، هر گونه تحدید این حق از جمله فیلترینگ آن را تابع اصل دموکراسی می‌شود. بدین معنا که محدودیت‌ها باید در قوانین و به‌طور روشن پیش‌بینی شوند، برای اهداف مشروع و قابل توجیه باشند و باید به گونه‌ای اعمال شوند که فقط بر دسترسی به محتوای غیرقانونی اثر بگذارد نه سایر مطالب و محتواهای قانونی. بر این اساس، مسدود کردن یا تعلیق کل وب سایت‌ها، سیستم عامل‌ها، کانال‌ها، آدرس‌های آی پی، نام دامنه‌ها، پورت‌ها، پروتکل‌های شبکه و یا هر نوع نرم‌افزار دیگر، همچنین اقدامات در نظر گرفته شده برای از بین بردن لینک‌ها، اطلاعات و وب سایت‌ها از سرورهایی که بر روی آن‌ها ذخیره می‌شوند و سایر محدودیت‌ها، فقط به صورت استثنایی مجاز شمرده می‌شوند و باید با رعایت اصل دموکراسی صورت گیرند (Botero Marino, 2013: 36-37).

۲. محتوای حق دسترسی به اینترنت

حق دسترسی به اینترنت متضمن عناصری است که با ابعاد و اشکال مختلف دسترسی به اینترنت ارتباط دارند. این عناصر را از نظر ماهیت می‌توان حقوق و آزادی‌های فرعی دانست که عمدتاً بر نفس دسترسی تمرکز دارند، نه بر محتوایی که در نتیجه دسترسی مبادله می‌شود.

۲-۱. آزادی اتصال به اینترنت^۱

آزادی اتصال به اینترنت به این معنا است که زیرساخت‌های لازم، ابزارها، امکانات و فناوری‌های مورد نیاز برای برقراری ارتباط اینترنتی و تبادل اطلاعات مانند کابل‌افزارها، مودم‌ها، رایانه‌ها و نرم‌افزارهای ضروری برای اتصال به اینترنت به عنوان یک وسیله ارتباط جهانی در دسترس افراد باشد. همچنین، اتصال به اینترنت و استفاده از خدمات مرتبط باید به صورت همگانی و بدون تبعیض، امن، ارزان و پایدار باشد (Lanza, 2017: 20-22).

محروم بودن افراد از اتصال به اینترنت ممکن است در نتیجه نبود وسایل ارتباطی باشد یا در نتیجه نامناسب بودن وسایل ارتباطی موجود یا قیمت بالا و به صرفه نبودن استفاده از وسایل ارتباطی موجود. از این رو، برای تحقق حق اتصال به اینترنت، دولت‌ها باید از یک سو زیرساخت‌ها، ابزارها و امکانات دسترسی را در کشور فراهم و موجود کنند و از سوی دیگر، دسترسی بدون تبعیض و با کیفیت به آن‌ها را برای همگان تضمین کنند. تبعیض‌های فیزیکی، اقتصادی، جنسیتی، ناتوانی‌های جسمی و فقر اطلاعاتی می‌تواند به بروز شکاف دیجیتال بین اقشار مختلف جامعه و نواحی مختلف شهری و

1. Right of access to internet / Freedom of Connection

روستایی منجر شود. از این رو، دولت‌ها باید برنامه‌هایی را برای مقابله با شکاف دیجیتال اتخاذ کنند (Lanza, 2017: 27-28). گاهی نیز خود دولت (مراجع قضایی یا اداری) نسبت به انسداد دسترسی افراد به اینترنت اقدام کرده و مطلق دسترسی به اینترنت^۱ یا دسترسی به سایت‌ها، برنامه‌ها یا مطالب خاصی را مسدود می‌کند (Criqui-Barthalais, 2018: 91-92). به همین جهت باید گفت که اتصال به اینترنت متضمن پایدار بودن اتصال نیز می‌باشد. منظور از پایدار بودن آن است که قطع دسترسی به اینترنت^۲ و محدود کردن دسترسی به آن از طریق فناوری‌های پالایش^۳ جز در موارد استثنایی و برای تحقق اهداف مشروع و به میزان ضرورت مجاز نیست. به جهت وابستگی انجام امور مختلف مردم به اینترنت، برآوردهایی که از قطع اینترنت در هند، پاکستان، نیجریه، کامرون، صحرای جنوبی، عراق و اتیوپی صورت گرفته نشان می‌دهد که قطع اینترنت ضررهای زیاد مادی و معنوی به مردم این کشورها از جمله در زمینه کسب و کار، آموزش و سلامت وارد کرده است و گاهی جان برخی افراد، از جمله قربانیان حمله بوکرام در سال ۲۰۱۳ را که به جهت قطع اینترنت یا تلفن همراه و برای رفع نیازهای خود مجبور به مسافرت به مناطق دارای ارتباط شده‌اند، به خطر انداخته است. قطع مستمر اینترنت در برخی شهرها و مناطق منجر به بروز نوعی از مسافرت یا مهاجرت شده است که از آن با عنوان پدیده مهاجران اینترنت^۴ یاد می‌شود (Rydzak, 2017: 13-17).

شورای اروپا در مصوبات متعددی بر حق دسترسی به اینترنت تصریح کرده است. از جمله در «اعلامیه اصول آزادی ارتباطات در اینترنت» (۲۰۰۳) می‌گوید: «دولت‌های عضو باید دسترسی همگان به تمام خدمات ارتباطی و اطلاعاتی اینترنتی را به گونه‌ای غیر تبعیض آمیز و با بهایی منطقی، فراهم کنند...». در توصیه‌نامه مورخ ۲۰۱۱ خود نیز بر فراهم کردن نهایت دسترسی به اینترنت برای قادر کردن افراد به اعمال حقوق و آزادی‌هایشان تصریح کرده است.^۵ اعلامیه «اصول آزادی بیان و اینترنت» صادر شده از سوی گزارشگران ویژه حقوق بشر (۲۰۱۱) نیز در این باره می‌گوید: «باید برای همه مردم فرصت‌های برابر به منظور دریافت، جست‌وجو و انتقال اطلاعات توسط هر وسیله ارتباطی بدون هیچ گونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، منشأ

1. Internet shutdown
2. Network shutdowns
3. Filtering/disruption technologies
4. Internet refugees or digital refugees
5. Declaration on Freedom of Communication on the Internet, 28 May 2003, Principle 4
6. Recommendation of the Committee of Ministers to member states on the protection and promotion of the universality, integrity and openness of the Internet , 21 September 2011.

ملی یا اجتماعی، مالکیت، وضعیت تولد یا هر وضعیت دیگر، فراهم شود» (اصل ۲).^۱ گزارشگر ویژه آزادی بیان می‌گوید که تفسیر این اصل در حوزه اینترنت بدین گونه است که نه تنها باید با ایجاد زیرساخت‌ها برای ارتقای دسترسی همگان به اینترنت اقدام شود، بلکه باید فناوری لازم برای استفاده از آن و همچنین بیشترین حد ممکن برای دسترسی به اطلاعات در اینترنت نیز فراهم شود. به همین دلیل دولت‌ها تعهد دارند تا ضمن عدم ایجاد مانع برای دسترسی عمومی به اینترنت (تعهد منفی)، زمینه اتصال و دسترسی به زیرساخت‌های اینترنت و سایر خدمات فناوری اطلاعات و ارتباطات را به صورت جهانی، منصفانه، مقرون به صرفه در سراسر کشور فراهم کنند (تعهد مثبت)؛ یعنی با تدابیری که برای توسعه زیرساخت‌ها اتخاذ می‌کنند دسترسی به اینترنت را از ابعاد مختلف از جمله کاهش هزینه دسترسی، ارتقای امنیت، کیفیت مناسب و افزایش سرعت تقویت کنند. بر این اساس، از بین بردن موانع خودسرانه و دل‌بخواهی در دسترسی به زیرساخت‌ها، فناوری و اطلاعات آنلاین باید مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد و برای استفاده مؤثر افراد یا گروه‌هایی که به حاشیه رانده شده‌اند یا با تبعیض‌های تاریخی مواجه‌اند باید اقدامات مثبت (تبعیض مثبت) در نظر گرفته شود.

با توجه به اینکه تحقق بخش چشمگیری از دسترسی به اینترنت به همکاری واسطه‌های اینترنتی منوط است، دولت‌ها باید نقش و مسئولیت شرکت‌های واسطه مانند ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی، خدمات میزبانی، موتور جست‌وجوها و پیام‌رسان‌های اجتماعی در دسترسی به اینترنت را مورد توجه و نظارت قرار دهند، زیرا چند و چون اتصال به اینترنت تا اندازه زیادی به عملکرد شرکت‌های مذکور وابسته است. از یک سو، دسترسی غیرتبعیض‌آمیز آنان به شبکه‌های ملی و بین‌المللی ارتباطات از راه دور را تضمین کنند و از سوی دیگر، مسئولیت‌های کیفی را مدنی ناشی از فعالیت‌های آن‌ها را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که آن‌ها را در قبال محتوایی که از آن آگاهی ندارند مسئول قرار ندهند (Botero & Marino, 2013: 39-41).

دسترسی به اینترنت تنها با اتصال به شبکه‌ها و زیرساخت‌ها قابل تحقق نیست، بلکه برای داشتن ارتباط با کیفیت، افراد باید اطلاعات و دانش لازم را داشته باشند تا بتوانند از این ابزار استفاده کنند و از آن بهره‌مند شوند. بدین منظور، لازم است که دولت‌ها «سواد اینترنت» و استفاده از فناوری‌های مرتبط^۲ را برای همه افراد بدون تبعیض فراهم کنند (Dutton et al., 2012: 39). سواد اینترنت به‌عنوان مجموعه‌ای از دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد نیاز یک فرد برای توسعه عملکرد در

1. Joint Declaration on Freedom of Expression and the Internet, 1 June 2011.
2. Égalité d'accès aux compétences et aux technologies

جامعه اطلاعاتی تعریف شده و هدف آن این است که مردم با کسب دانش و مهارت استفاده از فناوری، فرصت‌های اجتماعی و مالی جدیدی را برای خود ایجاد کنند (Lanza, 2017: 23).

در نظام حقوقی ایران، حق اتصال به اینترنت در «سند راهبردی نظام جامع فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۸۷/۲/۸ هیئت وزیران مورد توجه قرار گرفته و «ایجاد شبکه ملی اینترنت برای دسترسی با کیفیت، امن و پایدار در سراسر کشور در هر زمان و هر مکان برای هر کس» از راهبردهای توسعه فناوری اطلاعات قلمداد شده است (بند و-۴-۷). با وجود این، این سند از شبکه ملی اینترنت سخن گفته است که می‌تواند با اصل جهانی بودن اینترنت مغایرت داشته باشد. همچنین، قطع سراسری یا محلی یا بخشی اینترنت به استناد مصوبات مراجع امنیتی یا مقامات قضایی دسترسی پایدار به اینترنت در کشور را با مشکل مواجه کرده است. به همین منظور در سال ۱۳۹۸ طرحی از سوی نمایندگان به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است که بر تضمین دسترسی به خدمات اینترنت تمرکز دارد.^۱ این طرح در فرایند تصویب قرار دارد.

۲-۲. اصل بی طرفی شبکه‌ای

«بی طرفی شبکه‌ای»^۲ اصطلاحی است که نخستین بار در سال ۲۰۰۰ از سوی کمیسیون فدرال ارتباطات آمریکا در مورد بی طرفی نسبت به داده‌های در حال جریان به کار رفت و سپس با توسعه مفهومی، به کل زنجیره ارزش در اینترنت^۳، تسری یافت (Rapport du Gouvernement au Parlement, 2010: 6). به موجب این اصل باید با بسته‌های داده به نحو برابر و بدون تبعیض بر اساس نوع برنامه کاربردی، محتوا و مقصد آن‌ها رفتار شود به گونه‌ای که کاربران اینترنت حق جست‌وجو و گردش در شبکه^۴ و انتخاب وبسایت‌ها، برنامه و خدمات اینترنتی و بیشترین امکان دسترسی به محتوای اینترنت محور را داشته باشند. اصل بی طرفی اعمال اصلی کلی منع تبعیض در ارتباطات اینترنتی را دنبال می‌کند. طبق این اصل، کاربران باید بتوانند هر نوع فناوری و برنامه کاربردی را به کار گیرند و به سرویس‌های مورد نظر خود دسترسی داشته باشند، بدون آنکه ترافیک مربوط به آن برنامه یا خدمات از سوی اپراتورهای شبکه، موتورهای جست‌وجو و دیگر بازیگران اینترنت جهت‌دهی یا اولویت‌بندی شود. همچنین، ترافیک اینترنتی نباید به طور تبعیض‌آمیز مسدود شود، مگر اینکه برای حفظ امنیت شبکه لازم و متناسب باشد (Botero Marino, 2013: 11-14).

۱. طرح الزام دسترسی به خدمات اینترنت مورخ ۱۳۹۸/۹/۲۶، قابل مشاهده در:

https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1385405

2. Net neutrality/ la neutralité d'un reseau

3. La neutralité de l'internet

4. la liberté de naviguer sur le reseau

تبعیض در دسترسی به اینترنت ممکن است به دلایل و توجیحات فنی (نبود پهنای باند و زیرساخت‌های فنی لازم برای اینترنت جهانی و پرسرعت)، اقتصادی (عدم تنظیم قواعد رقابت بین ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی)، اجتماعی (عدم احترام به ترجیحات و انتخاب‌های مصرف‌کنندگان اینترنت و مواجهه کردن آن‌ها با انبوه اطلاعات خواسته و ناخواسته) و حقوقی (مدیریت قراردادهای ارائه خدمات و نبود حمایت‌های لازم از کاربران در برابر شروط اجحاف‌آمیز) صورت گیرد. بر این اساس، اصل بی‌طرفی آثار و مزایای زیادی بر کاربران اینترنت دارد؛ از جمله اینکه به تحقق شفافیت، تنوع و تکثر در اینترنت (در برابر تمرکز و انحصار) کمک می‌کند، از سانسورهای ساختاری و سیستماتیک آزادی بیان و اطلاعات پیشگیری کرده و انگیزه‌های لازم برای خلاقیت، نوآوری و رقابت را فراهم می‌کند (Botero Marino, 2013: 12). شورای ملی دیجیتال فرانسه، در حمایت از این اصل، آن را تضمین‌کننده دسترسی به اطلاعات و ابزارهای بیان با شرایط غیرتبعیض‌آمیز، منصفانه و شفاف از طریق شبکه‌های ارتباطی، زیرساخت‌ها و خدمات دسترسی و ارتباطات عمومی دانسته است.^۱

برخی از حقوقی که مصرف‌کنندگان اینترنت به‌موجب این اصل به دست می‌آورند و تعهداتی که متناظر با این حقوق برای دولت و ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی ایجاد می‌شود در مصوبات اتحادیه اروپا درباره اصل بی‌طرفی اینترنت (مانند مقررات اینترنت باز مصوب ۲۰۱۵)^۲ و گزارش اعمال آن در دولت‌های عضو اتحادیه (European Union, 2019: 143-150)، گزارش‌های گزارشگران آزادی بیان، قواعد کمیسیون فدرال ارتباطات آمریکا^۳ و مصوبات شورای ملی دیجیتال فرانسه به‌صورت زیر آمده است:

۱. حق دسترسی به محتوای قانونی اینترنت انتخابی خود و ارسال هرگونه محتوای قانونی به انتخاب خود؛

۲. حق انتخاب و اجرای هرگونه نرم‌افزارهای کاربردی و استفاده از سرویس‌های صوتی و ویدئویی به انتخاب خود؛

۳. حق دسترسی به هرگونه موتور جست‌وجو به انتخاب خود؛

1. CNN, Avis du Conseil national du numérique sur la Net Neutralité n°2013-1 du 1er mars 2013.

2. Regulation (EU) 2015/2120 of the European Parliament and of the Council of 25 November 2015.

3. FCC, Preserving the Open Internet; Final Rule, 2011: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/FR-2011-09-23/pdf/2011-24259.pdf>.

۴. حق اتصال دستگاه‌های انتخابی غیرآسیب‌رسان به شبکه؛
۵. حق برخورداری از رقابت در بین ارائه‌دهندگان شبکه، ارائه‌دهندگان سرویس و نرم‌افزارهای کاربردی و ارائه‌دهندگان محتوا؛
۶. حق دریافت اطلاعات واضح و آشکار به زبان ساده در مورد سرعت، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و قیمت‌گذاری تقریبی هرگونه سرویس عمومی اینترنت.
- در برابر، از جمله تعهداتی که اپراتورها یا شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنت به‌عنوان رعایت‌کنندگان اصل یا حق بی‌طرفی باید رعایت کنند عبارتند از:
۱. در مدیریت ترافیک اینترنتی به‌صورت شفاف عمل کنند؛
 ۲. ارائه محتوا، نرم‌افزارهای کاربردی یا سرویس‌ها به‌گونه‌ای باشد که حداقل سرعت و کیفیت این سرویس‌ها با سرعت و کیفیت پیشنهادی و در دسترس اپراتور برابر باشد؛ ضمناً این موارد باید بدون اخذ اضافه‌بها باشد؛
 ۳. با کل داده‌های عبوری طی مراحل برقراری ارتباط رفتاری یکسان و بدون تبعیض داشته باشند و در مواردی که ذکر می‌شود به نفع خود یا هیچ فرد دیگری از جمله وابستگان یا شرکت‌هایی که با آن‌ها رابطه تجاری دارند تبعیض قائل نشوند: تخصیص پهنای باند، ارسال محتوا یا نرم‌افزارهای کاربردی یا سرویس‌ها از مشترکین یا ارسال به آن‌ها. همچنین نباید از ارائه‌دهندگان سرویس یا نرم‌افزارهای کاربردی به ازای ترافیک ارائه‌شده به آن‌ها هزینه‌ای اضافی دریافت کنند؛
 ۴. امکان ارائه یا پست محتوا، نرم‌افزار کاربردی یا سرویس در اینترنت را با این شرایط فراهم کنند: از لحاظ کیفیت سرویس، دسترسی، سرعت و پهنای باند، معقول و بدون تبعیض باشند؛ میزان دسترسی، سرعت، کیفیت سرویس و پهنای باند در این موارد حداقل معادل موارد متعلق به خود شرکت ارائه‌دهنده شبکه پهن‌بند باشند؛ به‌ازای نوع خاصی از محتوا، نرم‌افزار کاربردی یا سرویس هزینه اضافی دریافت نکنند؛
 ۵. محتواها، نرم‌افزارهای کاربردی یا سرویس‌های قابل دسترس توسط کاربران را تنها بر اساس نوع و سطح سرویس خریداری‌شده توسط کاربر اولویت‌بندی کنند و هزینه اضافی برای این کار دریافت نکنند.

مسئولیت اصلی تحقق بی‌طرفی شبکه با دولت است که باید علاوه بر تصویب و انتشار عمومی ضوابط مربوط به این موضوع، گزارش اقدامات مرتبط با آن را نیز به‌صورت عمومی منتشر کند. این امر یکی از زمینه‌های اصلی شفاف‌سازی و رانت‌ستیزی در حوزه ارتباطات اینترنتی است که اگر

محقق شود، می‌تواند بر تنظیم‌گری درست در زمینهٔ ارائه یا دسترسی به خدمات ارتباطات اینترنت محور که روزبه‌روز بر اهمیت آن‌ها افزوده می‌شود مؤثر واقع شود.

در نظام حقوقی ایران، مفاد مصوبهٔ شورای عالی فضای مجازی با عنوان «سیاست‌ها و اقدامات ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» مصوب ۱۳۹۶ حاکی از عدم پذیرش اصل بی‌طرفی شبکه‌ای است. هم در اهداف این مصوبه و هم در متن آن حمایت‌های مالی و معنوی دولت از تولید محتوای داخلی و ارتباطات سالم اجتماعی و اقتصادی بر اساس نیازمندی‌های داخلی و ارزش‌های اسلامی ایرانی و پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی پیش‌بینی شده است. البته این تبعیض در مورد پیام‌رسان‌های ملی در مقایسه با خارجی است. ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی نیز بهای استفاده از ترافیک داخلی را کمتر از ترافیک خارجی محاسبه می‌کنند. همچنین، حذف اصل بی‌طرفی از متن نهایی و مصوب منشور حاکی از این است که دولت چنین اصلی را قبول ندارد (در متن اولیه منشور به این اصل تصریح شده بود). با وجود این، بر اساس منع کلی مقرر در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی می‌توان گفت که تبعیض ناروا در دسترسی به اینترنت بین کنشگران داخلی این ارتباطات باید منع شود.

۳-۲. حق بی‌نامی

حق بی‌نامی^۱ عبارت است از حق بر ناشناخته‌ماندن در برابر اشخاص ثالث یا معرفی خود با هویت دلخواه به اشخاص ثالث. مبنای شناسایی این حق آن است که از افراد در برابر آزارها و تهدیدهای ناشی از معلوم‌بودن هویتشان حمایت شود. کودکان، منتقدان و مخالفان، افشاگران فساد، اشخاصی که نام یا جنسیت خود را تغییر داده‌اند و آن‌هایی که قربانی خشونت به‌ویژه خشونت‌های جنسی شده‌اند، بیش از سایرین به عدم افشای هویت خود یا استفاده از نام مستعار نیازمند هستند (Electronic Frontier Foundation, 2015: 4-6).

حق بی‌نامی در اینترنت از فروعات حق کلی بر بی‌نامی و از حقوق کلیدی مرتبط با دسترسی به اینترنت است. منظور از این حق عبارت است از حق بر محفوظ‌ماندن داده‌های کاربران^۲ اعم از داده‌های هویتی و فنی (نظیر نام و هویت کاربران اینترنت و مکان، زمان و طول مدت ارتباط، مشخصات وسیلهٔ ارتباطی و فرکانس ارتباطی آن‌ها) و داده‌های ترافیک^۳ یا محتوایی آن‌ها (نظیر داده‌هایی که کاربران در قالب نوشته، عکس، فیلم، صدا یا ترکیبی از این‌ها مبادله کرده‌اند) و عدم افشای این داده‌ها و هر نوع دادهٔ دیگری که از داده‌های مذکور به دست می‌آید به اشخاص ثالث بدون اذن کاربران.

1. Anonymity
2. Users data
3. Traffic data

این حق در سطح بین‌المللی به‌عنوان جزئی از آزادی بیان و حریم خصوصی شناسایی شده است. توجیه اساسی آن است که امکان و احتمال ردیابی آنچه افراد می‌گویند، می‌خوانند، می‌بینند، می‌نویسند یا گوش می‌دهند از سوی دولت‌ها ممکن است آزادی بیان و اطلاعات را قویاً تحت تأثیر قرار دهد و افراد را از نشر و دریافت اطلاعات، خرید کتاب یا روزنامه و سخن‌گفتن درباره هر آنچه دولتمردان دوست ندارند بترساند. در نبود این حق، افراد ممکن است در نتیجه هراس از سرکوب سخن‌نگویند و در نتیجه، به‌جای آزادی بیان، ترس و سانسور در جامعه حاکم شود. بر این اساس، گزارشگر ویژه آزادی بیان (منصوب از سوی شورای حقوق بشر) ضمن تأکید بر پیوند میان حریم خصوصی و آزادی بیان، حق حریم خصوصی را متضمن حق بر معرفی خود از جمله حق بی‌نام‌ماندن دانسته است. گزارشگر ویژه آزادی بیان منصوب از سوی کمیسیون بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر که گزارش خاصی درباره آزادی بیان و اینترنت تهیه کرده است، ضمن اذعان به وجود حق بی‌نامی برای کاربران اینترنت، توضیح داده است که این حق مشارکت بی‌نام در مباحثه‌های عمومی را که یکی از ویژگی‌های دموکراسی‌های مدرن است میسر ساخته و ذیل حق بر زندگی شخصی قرار می‌گیرد (Botero Marino, 2013: 59).

در سطح ملی، حق بی‌نامی در بیشتر کشورهای جهان به‌صورت‌های قوی یا ضعیف^۱ شناسایی شده است.^۲ دیوان عالی آمریکا این حق را سپر حفاظت از افراد در برابر استبداد اکثریت دانسته است که از افراد دگراندیش در برابر انتقام اکثریت کم‌تحمل حمایت می‌کند. تعدادی از کشورها نیز حق مذکور را به‌عنوان جزئی از آزادی بیان (مانند سوئد و نروژ) و برخی دیگر به‌عنوان یکی از حقوق معنوی ناشی از مالکیت‌های فکری (از عناصر حق ولایت بر اثر یا حق انتساب اثر) شناسایی کرده‌اند. آلمان، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، کانادا، مکزیک و برزیل از جمله این کشورها هستند (Electronic Frontier Foundation, 2015: 23-33).

کره جنوبی در سال ۲۰۰۷ با تصویب قانون شبکه ارتباطات و اطلاعات، واسطه‌های اینترنتی را که روزانه بیش از ۱۰۰ هزار کاربر داشتند ملزم کرد تا پست‌های کاربرانی را بپذیرند که هویتشان معلوم باشد. هدف قانون‌گذار این بود که با ردیابی هویت پست‌کنندگان از فعالیت‌های غیرقانونی پیشگیری کند. با وجود این، به دو دلیل مهم این قانون لغو شد. یکی اینکه در اواسط سال ۲۰۱۱ بزرگ‌ترین سرعت

۱. قوی یعنی مجاز نبودن افشا حتی به حکم مقامات قضایی. ضعیف یعنی قابل افشا به درخواست مقامات قضایی.
 ۲. قانون اساسی برزیل در حکمی تعجب‌برانگیز تصریح کرده است که آزادی بیان مورد حمایت است و بی‌نامی ممنوع است (بند ۴ از اصل ۵).

اطلاعات شخصی شهروندان جمهوری کره انجام شد. شرکت ارتباطاتی SK اعلام کرد که اطلاعات شخصی ۳۵ میلیون مشتری هک شده است. اطلاعات شخصی شامل نام‌های کاربری، گذرواژه‌ها، شماره‌های امنیت ملی، شماره‌های اقامت، شماره‌های تلفن همراه، آدرس‌های ایمیل و عکس‌های شخصی بود. تا قبل از این حمله دولت کره، با اعمال سیاست «نام واقعی»، از کاربران می‌خواست تا با نام واقعی خود در آن‌ها عضو شوند و شماره امنیتی اجتماعی خود را برای تعیین هویت در سایت استفاده کنند، اما بعد از این حمله، دولت تغییر این سیاست را اعلام کرد. دوم آنکه ارزیابی‌های بعدی نشان داد که وضع این قانون تأثیری بر کاهش فعالیت‌های مجرمانه نداشته است و در نتیجه، دادگاه قانون اساسی کره، در سال ۲۰۱۲، این مصوبه را خلاف قانون اساسی اعلام کرد. از نظر این دادگاه، بیان بی‌نام در اینترنت به مردم اجازه می‌دهد تا فارغ از طبقه و موقعیت اجتماعی، نژاد و جنسیت خود در شکل‌گیری افکار عمومی مشارکت کنند (Mendel et al., 2013: 34-35).

در حقوق ایران، حق بی‌نامی در هیچ متن قانونی پیش‌بینی نشده است. در عین حال، منع صریحی نیز وجود دارد. با وجود این، قوانین موجود به‌نحو ضمنی توسل به چنین حقی را نفی کرده‌اند. در قوانین مربوط به انتشار کتاب و مطبوعات، شرط صدور مجوز انتشار معلوم‌بودن هویت نویسنده است و در قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) نیز احکامی وجود دارد که بر نفی حق بی‌نامی دلالت دارند. به‌موجب مواد ۳۲ و ۳۳ این قانون، ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی و خدمات میزبانی داخلی موظف‌اند اطلاعات کاربران را که مشتمل بر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا پروتکل اینترنتی (IP)، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند. ماده ۴ آئین‌نامه جمع‌آوری و استنادپذیری ادله الکترونیکی نیز، که در اجرای ماده ۵۴ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۵ تصویب شده است، عرضه‌کنندگان خدمات دسترسی حضوری اینترنت (کافی‌نت‌ها) را موظف کرده است تا مشخصات هویتی، آدرس، ساعت شروع و خاتمه کار کاربر و نشانی اینترنتی (IP) تخصیصی را در دفتر روزانه ثبت نمایند.

گفتنی است حق بی‌نامی همانند سایر حقوق محدودی دارد و نمی‌تواند بستری برای ارتکاب جرایم و فرار از مسئولیت قرار گیرد. به همین جهت، در کشورهایی که این حق را شناسایی کرده‌اند حدود و استثناهای آن نیز پیش‌بینی شده است.

۴-۲. حق استفاده از رمزگذاری^۱

یکی دیگر از حقوق مرتبط با دسترسی به اینترنت آن است که اشخاص بتوانند بر محتوای ارتباط خود کنترل داشته و آن را با کیفیت دلخواه مبادله کنند. فناوری‌های رمزگذاری این امکان را برای افراد فراهم می‌سازد. در نبود فناوری رمزگذاری و با فرض شناسایی حق بر بی‌نامی، دولت‌ها و انواع واسطه‌های اینترنتی، حتی اگر هویت برقرارکنندگان ارتباط معلوم نباشد، می‌توانند پیام‌های آن‌ها را ذخیره کرده، بخوانند و آن‌ها را در دسترس اشخاص ثالث قرار دهند. فناوری رمزگذاری از امنیت، تمامیت و حریم خصوصی پیام‌ها یا محتوای ارتباطات حمایت می‌کند و مانع از این رهگیری می‌شود. از نظر فنی، رمزگذاری یک فرایند ریاضی مبتنی بر تبدیل پیام‌ها، اطلاعات یا داده‌ها به یک قالب غیرقابل خواندن توسط هر کسی، جز گیرنده، و محافظت از محرمانگی و تمامیت محتوا در برابر دسترسی یا دستکاری اشخاص ثالث است. این فناوری زمانی منحصراً در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی و دستگاه‌های نظامی بود، اما امروزه به‌طور عمومی قابل دسترسی است و اغلب به‌صورت رایگان برای ایمن‌سازی ایمیل‌ها، ارتباطات صوتی، تصاویر، سخت‌افزارهای ذخیره اطلاعات و مرورگرهای اینترنتی استفاده می‌شود. با استفاده از سیستم رمزگذاری کلید عمومی^۲، فرستنده پیام قفل‌شده خود را ارسال کرده و شخص گیرنده از کلید خصوصی خود برای رمزگشایی آن استفاده می‌کند. این فناوری برای ایجاد امضاهای دیجیتال و حصول اطمینان از اینکه یک سند و فرستنده آن معتبر هستند، برای تأیید هویت یک سرور و محافظت از تمامیت ارتباطات بین مشتریان و همچنین در برابر دستکاری ترافیک توسط اشخاص ثالث استفاده می‌شود (La Rue, 2011: 4).

رمزگذاری به دو صورت به حقوق و آزادی‌های عمومی ارتباط جدی پیدا می‌کند و از این‌رو از حمایت بین‌المللی برخوردار است: از یک سو، ارتباطات اشخاصی همانند روزنامه‌نگاران، منابع خبری، پناهندگان، مهاجران، افشاگران، شهود و فعالان حقوق بشر بدون استفاده از این فناوری در معرض تهدید، پیگرد و سرکوب قرار گرفته و قویاً محدود می‌شود و از سوی دیگر، بیان نظر و اطلاعات در قالب رمز و کد یکی از گونه‌های بیان است (همانند نوشته و صدا) که جز به حکم قانون نمی‌توان استفاده از آن‌ها را منع کرد. با توجه به نبود دلایل و شواهد کافی برای تأثیر منفی استفاده از این فناوری برای ارتکاب جرایم و سایر دغدغه‌های عمومی، از ۱۹۹۵ به تدریج استفاده از این فناوری در کشورهای مختلف جهان مجاز شناخته شد (Electronic Frontier Foundation, 2015: 35-37).

1. encryption technology
2. public-key cryptography

برخی کشورهای جهان از دسترسی افراد به فناوری‌های رمزگذاری به‌طور رسمی و قویاً حمایت کرده و تلاش کرده‌اند تا مقررات‌گذاری لازم را در مورد آن صورت دهند. اتحادیه اروپا رمزگذاری را به‌عنوان ابزار حیاتی برای حمایت از داده‌های شخصی و حقوق بنیادی همچون آزادی بیان و حریم خصوصی شناخته و در عین حال، پیشگیری از استفاده از این فناوری را برای فعالیت تروستی، سوءاستفاده از کودکان، ارتکاب فساد و جرایم سازمان‌یافته لازم دانسته است (Koomen, 2019: 1-2). در میان کشورهای در حال توسعه، برزیل با وضع قوانین متعدد درباره اینترنت، مانند قانون منشور حقوق در اینترنت و قانون حمایت از داده‌های شخصی، استفاده از رمزگذاری را در برخی از فعالیت‌های مالی الزامی کرده است و در سایر حوزه‌ها نیز ارتباطات افراد در فضای مجازی را مصون از تعرض شناخته است که تنها در موارد استثنایی و با مجوز قضایی قابل تحدید است.

در مقابل، برخی دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با وضع مقررات ناظر بر واردات یا صادرات یا تولیدات استفاده از فناوری‌های رمزگذاری را ممنوع یا تضعیف کنند. برای مثال، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و هند شرکت بلک بری کانادا را برای در دسترس قرار دادن فناوری قوی رمزگذاری به‌شدت تحت فشار قرار داده و به تحریم محصولات این شرکت تهدید کردند. شرکت نیز مجبور به مصالحه و پذیرش شرایط آن‌ها (فراهم‌آوردن امکان رهگیری و جاسوسی) شد (Electronic Frontier Foundation, 2015: 40-41). دولت هند استفاده از فناوری رمزگذاری در ارتباطات اینترنتی را منوط به اخذ مجوز کرده است. در این کشور، نخست، استفاده از کدهایی با ظرفیت کمتر از ۴۰ بیت برای رمزگذاری منوط به اخذ مجوز از دولت مجاز شد. این محدودیت با تحولات فناورانه، منسوخ شده ولی اکنون نظام صدور مجوز برای ممنوعیت استفاده از رمزگذاری انبوه^۱ توسط شرکت‌هایی که خدمات اینترنتی به کاربران ارائه می‌کنند به کار می‌رود و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی موظف هستند در صورت نیاز، امکان پایش ارتباطات از سوی مقامات امنیتی را فراهم کنند (Mohanty, 2019: 3-4).

در حقوق ایران، استفاده از رمزگذاری برای ارتباطات اینترنتی با منع قانونی صریحی مواجه نیست. اما در صورتی که مقامات قضایی یا سایر مراجع مجاز به داده‌های رمزگذاری شده نیاز داشته باشند، باید امکان دسترس آن‌ها فراهم شود. به‌موجب ماده ۴۸ قانون جرایم رایانه‌ای، شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیرعمومی در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود. یعنی مستلزم مجوز قضایی است. ماده ۴۱ همین قانون نیز، در مقام تعریف تفتیش داده‌ها،

1. bulk encryption

«دستیابی به داده‌های حذف یا رمزنگاری شده» را مجاز دانسته است. در واقع، تعرض به داده‌های رمزگذاری شده را مستلزم مجوز قضایی دانسته است؛ یعنی اصل آن را به رسمیت شناخته است.

۵-۲. حق بر امن و شفاف بودن اینترنت

دسترسی به اینترنت باید امن باشد بدین معنا که در نتیجه دسترسی به اینترنت نباید تهدیدی متوجه افراد شود. بدین منظور، دولت‌ها علاوه بر اینکه باید حق بی‌نامی و استفاده از رمزگذاری را به رسمیت بشناسند، مکلف هستند با اتخاذ تدابیر لازم، اعم از فنی و قانونی، ارتکاب برخی اعمال از طریق اینترنت را منع و کنترل کنند. برای مثال، از داده‌های شخصی افرادی که به اینترنت متصل می‌شوند در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی حفاظت کنند. اکنون، داده‌های مختلف راجع به اشخاص، از صوت و تصویر گرفته تا داده‌های مربوط به رفتارها و عادت‌های ارتباطی، از سوی برخی شرکت‌ها جمع‌آوری، پردازش و استفاده می‌شود. دولت‌ها باید فرایند جمع‌آوری، پردازش و استفاده از داده‌های مذکور را قانون‌مند کنند. برخی دولت‌ها، همانند دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی، عمدتاً با وضع قواعد خاص^۱ این هدف را دنبال کرده‌اند و برخی دیگر، همانند دولت آمریکا، با وضع قوانین متعدد^۲ به این سمت رفته‌اند.

در نظام حقوقی ما هنوز حمایت‌های قانونی مشخصی در این باره وجود ندارد. تنها می‌توان از ماده ۱۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷ یاد کرد که دسترسی به «اطلاعات شخصی» دیگران را به رضایت صریح و مکتوب آن‌ها منوط کرده است. برای رفع این خلأ قانونی، پیش‌نویس لایحه‌ای با عنوان «لایحه صیانت از داده‌های شخصی» در حال بررسی در دولت است. حمایت از کاربران در برابر پیام‌ها و تبلیغات ناخواسته، خشونت، حمله‌های اینترنتی، جرایم سازمان‌یافته، تهدید و سایر جرایم مرتبط با دسترسی به اینترنت از وظایف دولت‌هاست.

امن بودن اینترنت ایجاب می‌کند که دولت‌ها از کودکان در برابر آسیب‌های ناشی از دسترسی به اینترنت حفاظت کنند. دسترسی کودکان به اینترنت را نظام‌مند کنند، ارتکاب خشونت و آزار علیه آن‌ها را جرم‌انگاری کرده و از کودکان در برابر مطالب غیرسالم و زیان‌بار حفاظت کنند. اروپا در این زمینه کنوانسیون خاصی را تصویب کرده است.^۳ آمریکا نیز قانون خاصی تصویب کرده است.^۴

1 General Data Protection Regulation, Regulation (EU) 2016/679 of the European Parliament and of the Council of 27 April 2016.

2. See: Electronic Communications Privacy Act of 1986; Video Privacy Protection Act, 1988

3. Council of Europe Convention on the Protection of Children against Sexual Exploitation and Sexual Abuse, 2007.

4. The Children's Online Privacy Protection Act, 1998

در کشور ما حمایت‌های قانونی مشخصی در مورد حمایت از کودکان در برابر آسیب‌های ناشی از دسترسی به اینترنت وجود ندارد. در این زمینه صرفاً می‌توان به «ضوابط صیانت از کودکان و نوجوانان در خدمات تلفن همراه باند پهن» مصوب کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات (۱۳۹۳/۹/۲) اشاره کرد که وظایفی را در زمینه حفاظت از کودکان به‌عهده اپراتورها و مشترکان قرار داده است. با وجود این، مصوبه مذکور با توجه به جایگاه مادونی که در سلسله مراتب قواعد حقوقی دارد، کارایی لازم را برای حمایت از کودکان نداشته است.

امن بودن ارتباط با اینترنت با شفاف بودن نیز ملازمه دارد. امروزه، به مدد شکل‌گیری کلان داده‌ها، بسیاری از تصمیماتی که در مقام اجرای دستورات و خواسته‌های افراد در اینترنت گرفته می‌شود توسط ماشین صورت می‌گیرد و نه انسان. چه بخش عمومی و چه بخش خصوصی، از الگوریتم‌های خاص برای پردازش داده‌های کاربران خود استفاده می‌کنند که در کشورهای توسعه‌یافته، افزون بر آنچه در جهت رعایت اصل بی‌طرفی عمل می‌شود، تلاش‌های زیادی برای شفاف کردن نحوه طراحی و کارکرد این الگوریتم‌ها و اعتمادپذیر شدن آن‌ها صورت می‌گیرد (Brauneis & Goodman, 2018: 118-121). در حقوق ایران هنوز مصوبه خاصی در زمینه شفافیت دسترسی به اینترنت وجود ندارد و صرفاً بر اساس دستورهای مدیریتی، گزارش‌هایی نامنظم درباره میزان سرعت اینترنت و بهای خدمات ارائه می‌شود.

نتیجه

دسترسی به اینترنت، به جهت نقش اساسی که در زندگی امروز بشر برای تحقق حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی و رفع نیازهای مختلف مادی و معنوی اشخاص دارد، ارتباط وثیقی با زندگی توأم با احترام و آزادی در دنیای کنونی پیدا کرده است. از این رو، در سطح ملی، کشورهای زیادی، با وضع قانون خاص یا از طریق تفسیر قانون اساسی خود، از آن به‌عنوان حق شهروندی یا حق بنیادی یا حق اساسی حمایت کرده‌اند. در سطح بین‌المللی نیز این حق یا از طریق تفسیر حقوق بین‌الملل موجود از جمله تفسیر ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمره حقوق بشر شناخته شده است یا از طریق رویه قضایی. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر و نیز گزارش‌های گزارشگران ویژه آزادی بیان نیز با عبارات‌های مختلف بر وجود این حق به‌عنوان یک حق فرعی و مشتق اذعان کرده‌اند و گاهی از آن به‌عنوان حق مستقل نیز نام برده‌اند.

محتوای حق دسترسی به اینترنت با توجه به ماهیت این فناوری تعیین شده است. اینترنت فناوری نوینی است، دارای ساختار غیرمتمرکز و با کاربردهای گوناگون فردی و اجتماعی. از این رو، بر ابعاد مختلف آن ممکن است قواعد متفاوتی قابل اعمال باشد، اعم از قواعد ملی و بین‌المللی و اعم از قواعد

ناظر بر وسایل ارتباطی سنتی از راه دور (تلفن و پست) و جمعی (مطبوعات، رادیو و تلویزیون). حق دسترسی به اینترنت، از نظر ماهیت، یک حق ساختاری است که بر تضمین اتصال به اینترنت به اشکال دلخواه افراد تمرکز دارد و نه بر پیام و محتوایی که در نتیجه ارتباط ممکن است مبادله شود. بر این اساس، اینترنت را فناوری ارتباطی جدیدی می‌دانند که در عین تأثیرپذیرفتن از قواعد حقوقی سنتی، مستلزم شناسایی اصول و قواعد خاصی است. هدف این اصول و قواعد جدید آن است که در نتیجه منابع و قواعد حقوقی گوناگون قابل اعمال بر اینترنت، دسترسی به اینترنت لطمه نبیند.

بنابراین، حق دسترسی به اینترنت با محتوایی که برای آن گفته شد (حق اتصال، اصل بی‌طرفی و...) حداقل‌هایی را برای تضمین دسترسی بدون تبعیض، جهانی، امن، پایدار و ارزان به این فناوری ارتباطی مقرر می‌کند.

در نظام حقوقی ما، از جمله در سیاست‌ها، قوانین و مقررات مصوب درباره اینترنت تردیدی در شناسایی حق دسترسی به اینترنت مشاهده نمی‌شود، اما در مورد محتوای آن، به جهت ارجاع بیشتر آن‌ها به قوانین و مقررات حاکم بر رسانه‌های سنتی (همانند مطبوعات و رادیو و تلویزیون) محتوای این حق، آن‌طور که در کشورهای توسعه‌یافته و در سطح بین‌المللی شناسایی شده است، شناسایی و تضمین نشده است.

منابع

فارسی

- جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، *حق و تکلیف در اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه اسراء.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴)، «تئوری حق و حقوق بشر بین الملل»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۱.
- صرامی، سیف الله (۱۳۸۵)، *حق، حکم و تکلیف*، گفت‌وگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، جلد اول، تهران: نشر شهر دانش.
- نبویان، سیدمحمود (۱۳۸۸)، *حق و چهار پرسش بنیادین*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

انگلیسی

- Bayles, Michael D. (1992), *Hart's legal Philosophy: an examination*, Kluwer Academic Publishers.
- Brauneis, Robert & Ellen P. Goodman (2018), "Algorithmic Transparency for the Smart City", *The Yale Journal of Law & Technology*, Vol. 20.
- De Hert, Paul and Dariusz Kloza (2012), "Internet (access) as a new fundamental right. Inflating the current rights framework?," *European Journal of Law and Technology*, Vol. 3. No. 3.
- Donnelly, Jack (1989), *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Cornell University Press.
- Economides, Nicholas (2008), "Net Neutrality, Non-Discrimination and Digital Distribution of Content Through the Internet", *Journal of Law and Policy for the Information Society*, Vol.4:2.
- Harel, Alen, (2002) "Theories of Rights", in: *Blackwell Guide to the Philosophy of Law and Legal Theory*: <http://SSRN.Com/abstract=459960>, pdf.
- Koo, VanderWal (1990), *Collective Human Rights: a Western View*, In: *Human Rights in a Pluralist World: Individuals and Collectivities*, London.
- Land, Molly (2013), "Toward an International Law of the Internet", *Harvard International Law Journal*, Vol. 54, Number 2, Summer 2013.
- Löfquist, Lars (2019), "Is there a universal human right to electricity?," *The International Journal of Human Rights*, see: https://www.researchgate.net/publication/336220359_Is_there_a_universal_human_right_to_electricity.
- Raz, Joseph (1986), *The morality of freedom*, Oxford University Press.
- Rex, Martin (1993), *A System of Rights*, Oxford University Press.
- Szoszkiewicz, Łukasz (2018), "Internet Access as a New Human Right? State of the Art on the Threshold of 2020", *Adam Mickiewicz University Law Review*, see: <http://ppuam.amu.edu.pl/uploads/PPUAM%20vol.%208/03%20Szoszkiewicz.pdf>
- Summer, L.W. (1989), *The Moral Foundations of Rights*, Oxford: Clarendon Press.
- Wellman, Carl (1995), *Real rights*, Oxford University Press.
- Wenar, Leif, (2003), "The Nature of Rights", *Philosophy and Public Affairs*; Summer 2005, Vol.33, Issue 3.
- W. Penney, Jonathon (2011), *Internet Access Rights: A Brief History and Intellectual Origins*, *William Mitchell Law Review*, Vol. 38, Iss. 1, see: <http://open.mitchellhamline.edu/wmlr/vol38/iss1/11>.

گزارش

- Australian Human Rights Commission (2018), **Human Rights and Technology Issues Paper**, July 2018, <https://www.humanrights.gov.au>.
- Botero Marino, Catalina (2013), **Freedom of Expression on the Internet**, Office of the Special Rapporteur for Freedom of Expression Inter-American Commission on Human Rights, <http://www.cidh.org/relatoria>
- DiploFoundation (2011), **Right to Access the Internet: The Countries and The Laws that Proclaim It**, <https://www.diplomacy.edu/blog/right-access-internet-countries-and-laws-proclaim-it>.
- Electronic Frontier Foundation (2015), **Anonymity and Encryption**, comments submitted to the United Nations Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression, February 10, 2015, <https://eff.org/>
- European Union (2019), **Study on the implementation of the open internet provisions of the Telecoms Single Market Regulation**, Final Report, 2019, <https://ec.europa.eu/digital-single-market>.
- Frank La Rue (2011), **Report of Special Rapporteur on the Promotion and Protection of the Right to Freedom of Opinion and Expression**, <https://www.ohchr.org>.
- ILO, (2018), **Digital labour platforms and the future of work: Towards decent work in the online world**, International Labour Office, Geneva <https://www.ilo.org/global/publications>.
- Kiai, Maina (2014), **Report of the Special Rapporteur on the Rights to Freedom of Peaceful Assembly and of Association**, <https://www.ohchr.org>.
- Koomen, Maria (2019), **The Encryption Debate in the European Union**, Carnegie Endowment for International Peace, <https://carnegieendowment.org/2019/05/30/>.
- Lanza, Edison, (2017), **Inter-American Commission on Human Rights, Office of the Special Rapporteur for Freedom of Expression, Standards for a Free, Open and Inclusive Internet**, <http://www.oas.org>.
- Lucchi, Nicola (2013), **The Role of Internet Access in Enabling Individual's Rights and Freedoms**, EUI Working Paper, <https://cadmus.eui.eu/bitstream/handle>.
- Mohanty, Bedavyasa (2019), **The Encryption Debate in India**, Carnegie Endowment for International Peace, 2019. <https://carnegieendowment.org/2019/05/30>.
- Ryzdzak, Jan (2017), **Disconnected: A Human Rights-Based Approach to Network Disruptions**, <https://globalnetworkinitiative.org>.

فرانسوی

- Criqui-Barthais, Géraldine (2018), **La protection des libertés individuelles sur le réseau internet**, Thèse de doctorat en droit, Université Paris II- Panthéon-Assas école doctorale de Droit privé, 2018.
- Dutton, William H., Anna Dopatka, Ginette Law, Victoria Nash (2012), **Liberté de connexion, liberté d'expression: écologie dynamique des lois et règlements qui façonnent l'internet**, UNESCO, <https://unesdoc.unesco.org>.
- Mendel, Toby, Andrew Puddephatt, Ben Wagner, Dixie Hawtin et Natalia Torres (2013), **Étude mondiale sur le respect de la vie privée sur l'Internet et la liberté d'expression**, UNESCO, <https://unesdoc.unesco.org>.
- Rapport du Gouvernement au Parlement (2010), **La neutralité de l'Internet, Un atout pour le développement de l'économie numérique**, https://www.laquadrature.net/files/Rapport_Net_Neutralite.pdf.
- Souter, David (2019), **Indicateurs de l'UNESCO sur l'universalité de l'Internet: cadre pour évaluer le développement de l'Internet**, UNESCO, <https://unesdoc.unesco.org>.

- Weber, Rolf H. (2015), *Principes de la gouvernance de l'Internet: analyse comparative*, UNESCO.
- Turner, Mark (2005), *Liberté d'Expression Censure et Intégrité sur L'internet dans Les Droits de L'homme dans le Cyberspace*, UNESCO, <https://unesdoc.unesco.org>.
- Zwolinska, Monika (2015), *Sécurité et libertés fondamentales des communications électroniques en droit français, européen et international*, Thèse en vue de l'obtention du Doctorat en Droit, Université Nice Sophia Antipolis.